



امیرفیض- حقوقدان

گاه میشود که انسان در موقعیتی قرار میگیرد و ناچار از قبول تحمیلاتی میگردد که متناقض با اراده و نیت و خواست اوست، و این همان است که در علم حقوق به وضعیت کُره موسوم شده است. کره وقتی اکراه شناخته میشود که مُکره، در اولین فرصت ممکن واکنش خود را نسبت به جریان کره اعلام کند و یکی از شرائط معمول و مقبول رد کره، فوریت است.

در جریان سالگرد هلوکاست در نیویورک، فاجعه ای تدارک شد و به اجرا درآمد که تحریر (خبر از یک فاجعه مورخ ۰۵/۰۷/۲۰۱۶) به آن تخصیص یافت.^۱

ملاحظه کردنی در آن فاجعه، زمینه سازی قبلی برای معرفی اعلیحضرت بعنوان یکی از طرفداران اسرائیل بود. مبتدا و خبر و مناسبت جلسه مزبور به هیچوجه ارتباطی به شناخت و معرفی طرفداران اسرائیل در آن جلسه نداشت. ضرب المثل <فلان به شقیقه چکار دارد> کاملا مصداق موضوع بوده است و در همان جلسه، از طرف یک اسرائیلی لوح تقدیر هم به کسانی از جمله اعلیحضرت داده شد که در واقع ایجاد ترکیب بین مقدمه و موخره آن برنامه بود.

یقین بر این است که در دنیا بی سابقه است که دولتی یکی از رهبران اپوزیسیون کشور دیگری را که در قطب مخالفت با آن کشور است در اعلام عام طرفدار خود به جهانیان معرفی کند. درک نکبت چنین کاری برای عموم مردم جهان آشکار است چرا باید این نکبت نصیب اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور بشود؟

تصور بر این است که هیچ ایرانی اهل منطق و آگاه به روحیه و فرهنگ ایرانی نیست که از اقدام اسرائیلی ها در آن جلسه متأثر و متأسف نباشد؛ حتی اسرائیلی ها هم نمیتوانند از آن عمل استقبال کنند زیرا نه معمول است و نه امر قراردادی که کشوری طرفداران خود را در کشورهای دیگر به اسم و رسم در رسانه ها اعلام کند و خاصه که تقدیرنامه هم به آن طرفدار داده شود؛ این عمل اگر به قصد تخریب حیثیت و حتی امنیت شخص طرفدار نباشد، فقط ممکن است ناشی از یک امر قراردادی بین اسرائیل و شخص طرفدار اسرائیل شناخته شود؛ که **درازای آچنان اعلامی، کسانی که مرید آن شخصیت طرفدار میباشند**

بطورطبیعی و نا آگاه درزمره طرفداران اسرائیل معرفی و از نیروی کارآمد و یا سیاهی لشکر آنان استفاده گردد.

معیار این سخن میرسد به آن زمینه هائی که از اعلیحضرت در دست است که فرمودند: <هر کس طرفدار من است هر چه میگویم باید قبول کند> حجت این حکم اعلیحضرت این میشود که <چون من طرفدار اسرائیل هستم پس همه طرفداران من هم طرفدار اسرائیل میباشند>. (قیاس مساوات - منطق)

در تطبیق مورد، با اعلام طرفداری اعلیحضرت از اسرائیل اپوزیسیون خارج از کشور که بهرحال بنام اعلیحضرت رقم خورده است و بهر صورت وزنه ای در سیاست آمریکا و اسرائیل نسبت به ایران بشمار خواهد رفت، بعنوان سربازان و طرفداران اسرائیل معرفی میگردند و باتوجه به اینکه اسرائیل و آمریکا طرفداران جنبش سبزا سربازان خودشان میدانستند و میدانند این اعلام طرفداری اعلیحضرت از اسرائیل بار ادعای اسرائیل را نسبت به جریان سال ۸۸ ایران سنگین و با اعتبار میسازد و از آنجا که اعلیحضرت این روزها مانند سابق افتخار و بزرگ نمائی از جنبش سبز نمیفرمایند این عمل اسرائیل سبب وصله آن جدائی ظاهری اعلیحضرت از اصلاح طلبان میشود. زیرا وقتی اصلاح طلبان داخل کشور و اعلیحضرت هردو طرفدار اسرائیل باشند به حکم قاعده قیاس مساوات، اعلیحضرت و اصلاح طلبان هم متفق و متحد یکدیگر خواهند بود.

توضیحی برای اصالت بیشتر این تحریر

یک وقت اینطور متبادریه ذهن اشخاص میشود که کسی بعلت اظهاراتی، از بیگانگان جانبداری میکند این مورد، متوقف بر خیال و گمان است و محملی بر آن متصور نیست و اگر پای اثبات هم پیش بیاید بافقدان دلیل روبروست.

یک وقت کسی مکرر در مکرر خواستار حمایت از بیگانگان است مانند شخص اعلیحضرت در این حالت با آنکه نفس و ذات درخواستی توسل به بیگانگان از مراتب ورود اتهام بیگانه پرستی است ولی نشانگر وقوع عقد خیانت به وطن و همراهی با دشمن نیست زیرا گرچه ایجاب (درخواست) متوجه موضوع است، ولی قبول آن در دست نیست و نمیتوان گفت عمل خیانت صورت اجرائی یافته است.

مورد دیگر زمانی است که ایجاب یک ایرانی از کشور خارجی بخواسته کمک و حمایت با قبول آن کشور بیگانه اعلام عام میگردد و تقدیرنامه ای هم ضمیمه آن اعلام میشود؛ درست وضعیت پیش آمده در نیویورک؛ و اینجاست که بمناسبت درخواست قبلی اعلیحضرت از اسرائیل که متضمن حمایت مادی و تدارکی بوده است (مصاحبه با تلویزیون اسرائیل در سالهای قبل) و اعلام قبول درخواست (ایجاب) اعلیحضرت از سوی اسرائیل در فاجعه نیویورک، عمل اتهام و جانبداری از کشور بیگانه را بین اعلیحضرت و اسرائیل بصورت عقد تمام و کمال در میآورد و ثمن این معامله را هم میتوان به تقدیرنامه و محتویات احتمالی مالی آن تشبیه کرد.

این مورد اخیر است که نگرانی ای ناشیه از آن واقعا هولناک و فاجعه انگیز است و درکمال تاسف شمول آنرا نمیتوان در ناصیه اعتبار سیاسی و شخصی اعلیحضرت نادیده گرفت.



باهمه ظرافت و صحنه سازی اسرائیل یک تصمیم مدیرانه و میهنی اعلیحضرت که از منشاء وجدان و شرافت ملی جوشش دارد میتواند آثار این توطئه فاجعه بار را بر طرف کند و آن برگشت دادن تقدیر نامه و اعتراض کتبی و صریح به اظهارات اسرائیل از سوی شخص اعلیحضرت در آن جلسه است.

آنچه عرض شد هشدار تاریخ است خدمت اعلیحضرت. دست بدست هم بفرمایند، بسرعت غیر قابل تصویری در اوراق تاریخ مبارزه ثبت و غیر قابل علاج خواهد شد.

اعلیحضرت بیاد دارند که بعد از انتشار کتاب آخرین سفر شاه تالیف ویلیام شوکراس ضمن فکسی بعرض رساندم که در کتاب مزبور اظهار شده است <رضاپهلوی از پدرش در بستر مرگ عکس گرفت و به روزنامه پاری ماچ فروخت> و اثرات نامطلوب این نوشته کتاب رایاد آورشدم و بلافاصله از دفتر اعلیحضرت بوسیله تلفن با اینجانب تماس گرفته شد و شخص اعلیحضرت فرمودند <شما وکیل هستید میدانید که هر چیزی قابل تکذیب نیست> و تکذیب هم نشد و در تاریخ بنام اعلیحضرت در مفهوم وفاداری به پدرشان باقی ماند. در حالی که اگر بتوان برای مورد آن عکس صفرا و کبرائی ساخت برای اعلام طرفداری اعلیحضرت از اسرائیل و تقدیر نامه موصوف هیچ راهی جز تکذیب شخص اعلیحضرت موجود نیست.

اعلیحضرت دو یاسه بار فرموده اند که مراقب کنید آیا مسئله حاضر نیاز به قانع کردن دارد؟ آیا تشخیص اینکه عمل و صحنه سازی مزبور پای شرافت ملی و نماد هویت ملی ایرانیان را هدف گرفته روشن نیست؟ اعلیحضرت همانطور که بدرستی فرموده اند نماد هویت تاریخی ملت ایران را تصدی میفرمایند آیا شخص اعلیحضرت و یا هر ایرانی حق دارد که نماد هویت ملی ایرانیان را به نوکری و طرفداری از کشور بیگانه و یا اسرائیل مفتخر سازد؟

دستاورد این فاجعه

← اساسا طرفداری یک فرد (اعلیحضرت) از کشور دیگری چه مفهومی در بردارد جز تانید و حمایت از سیاست آن کشور توسط طرفدار. آیا قضاوت و برداشت عمومی از این طرفداری چیست جز ورود اتهام بیگانه پرستی؟

← در همان جلسه نیویورک آقای ادلسون یهودی که به حمایت تمام عیار از سیاست خارجی اسرائیل معروف و از اوست که خواستار حمله اتمی به ایران شده حضور داشت اعلیحضرت به خبرنگار بی بی سی اظهار داشتند که با حرفهای ادلسون در حمله به ایران موافق نیستیم.

خوب چه اشکالی داشت در همانجا هم میفرمودند <من طرفدار مشروط همه کشورها هستم نه آنطور که در این جلسه درباره اسرائیل اعلام شده است>

← ممکن است که حاصل این برنامه با ایجاد امکانات مالی برای خوردن و بردن ابوشریف ها و اخلاق باختگان شورای تجزیه طلبان فراهم شود ولی شرافت ملی کجا و دلدادگی ابوشریف ها کجا - طرف عقد و قرارداد خدمت به اسرائیل معرفی شدن و انتظارات و توقعات مردم و سنت و فرهنگ ایرانی کجا؟

← چه راحت شورای تجزیه طلبان و تلویزیون افق، همه میشوند وابسته و طرفدار اسرائیل افتخار!! بر همه آنها بعلاوه آن ماشین فروش بیچاره که هم چوب رامیخورد و هم پیاز را.

اعلیحضرتا

توصیه و تلاش نا شگون شما برای تجزیه ایران هنوز خود نمانست که افتخار طرفداری از اسرائیل که بهر حال کشوری بیگانه است به آن برق ناراحت کننده ای را اضافه کرده است؛ آیا دشوار است که در مراتب ابتدائی این تشخیص قرار گیرید که اعلام عام اسرائیل به طرفداری شما از آن کشور و دادن تقدیرنامه ضایعه و فساد است که باید بهر قیمت که شده رفع اثر از آن گردد؟

به امید التفات اعلیحضرت به خاطر ایران

ارادتمند امیر فیض

++++

در تاریخ ثبت است که شخصیت هایی به ویژه یکی از سفیران شاهنشاه آریامهر نشان لژیون دو نور فرانسه را با یادداشتی پس فرستاده اند و یکی از افتخارات تاریخ را بوجود آورده اند.

اعلیحضرت این ژست افتخار آمیز همراه با یادداشتی مناسب و حقوقی را به ملت ایران بدهکار هستند.

گاهی پدر و مادرها با تشویق فرزندان و برای مهر به فرزند در مراسمی که با نیت و طراحی از پیش تنظیم شده در مراسمی شرکت میکنند که پشیمانی آن نمودار میگردد، ولی اعلیحضرت و همسرشان در راس مبارزه ایرانیان پدر مادر معمولی و نا آگاه نیستند، هر شرکت و حرکت اعلیحضرت در جهت اعتبار و بی اعتباری و افتخار و خفت ایران در تاریخ ثبت میشود.

ح-ک